

محمد کمالی پور :

### بهار نارنج براساس ایده و طرحی از خودم بود از نحوه شکل گیری از ایده تا فیلمنامه اثر بهار نارنج بگویید؟

طبق عادت که به کافه گردی و مطالعه دارم، گاهی چشمم به پیرمردهایی می‌خورد که در انتهای زندگی خود مرثیه‌ای عاشقانه از جنس روزگاران غریب به همراه دارند، که در شلوغی عشق‌های سطحی و رنگارنگ امروزی گم می‌شود، همین فکر باعث شکل‌گیری این ایده در ذهنم شد که درامی عاشقانه از دوران پیری بنویسم. آنچه که در ذهنم بود را با فرشاد گل سفیدی در میان گذاشتم و با کمک خانم نهران دوست ایده را پرورش دادیم. وقتی قصه را در اوج و فرودی در اندازه قاب سینما دیدیم با توجه به قابلیت‌هایی روایت تصمیم بر این شد که به دنبال اخذ مجوز سینمایی اثر باشیم، به همین خاطر به سراغ نویسندگان دیگری رفتیم. احمد رفیع‌زاده نویسنده با سابقه‌ای بود که بیشترین افتخار همکاری با او را داشته‌ام، که نگارش فیلمنامه را به عهده داشتند.

### چطور شد فرشاد گل سفیدی را برای کارگردانی این اثر انتخاب کردید؟

فرشاد گل سفیدی یک فیلم بردار حرفه‌ای است، من به شخصه به او پیشنهاد دادم که کارگردانی کار را بپذیرد، در ابتدا خیلی استرس داشت و از قبول کار سر باز می‌زد، اما من خیلی دوست داشتم که فرشاد به عنوان یک کارگردان کار اولی اولین تجربه‌اش را در این قصه داشته باشد. در ادامه تجربه و حضور دغدغه مند او به پیشبرد کار بسیار کمک کرد تا جایی که بخشی از هزینه‌های فیلم را نیز به عهده گرفت.

### چطور شد که استاد نصیریان را به نقش اصلی فیلم خود نزدیک دیدید؟

من از همان ابتدا که این ایده در ذهنم شکل گرفت، علی نصیریان را در این نقش تجسم می‌کردم، صادقانه می‌گویم که اگر استاد به هر دلیلی نمی‌پذیرفتند و یا میراث‌گرانهایی چون او را در سینما نداشتیم من اصلاً اقدام به ساخت این اثر نمی‌کردم. همین طور پذیرفتن شان و پیوستن به گروه کار سختی بود که با پیگیری‌های شدید بنده و سپس با اشتیاق ایشان برای حضور در این نقش اتفاق افتاد، ابتدا من حضوراً خدمت استاد رسیدم و خواهش کردم که این نقش را بپذیرند، استاد گفتند که به تازگی

از پروژه برادر جان فارغ شده‌اند و با بیماری‌های مختلفی که در کهنسالی گریبانگیرشان شده، امکان بازی ندارند. اما من مصرانه از او خواستم که بعد از خوانش فیلمنامه اگر نظرشان تغییر کرد طرف یک هفته آینده، با بنده تماس بگیرند. یک هفته گذشت و از ایشان خبری نشد برای آنکه فرصت کافی برای فکر دادن به استاد داده باشم هفته دوم را هم صبر کردم دست آخر پس از دو هفته با علی نصیریان تماس گرفتم که در همین ابتدای صحبت به من گفتند: پسر خوب تو که فیلمنامه را داده‌ای چرا شماره ات را نگذاشتی؟ من چطور باید با تو تماس می‌گرفتم! استاد پذیرفته بودند و اخلاق شان کاملاً فرق کرده بود و همین مسئله بسیار مرا در ساخت و تولید اثر ثابت قدم کرد.

### و اما با وجود بیماری و سختی‌های دوران کهنسالی همکاری شان با گروه چطور بود؟

بسیار عالی. از تمام افراد گروه منضبط تر و با اخلاقی کاملاً حرفه‌ای، حضور داشتند. نه تنها بنده که همه افراد در کنار ایشان درس پس دادیم. و بسیاری از منش حرفه‌ای و تجربیات ایشان آموختیم. به عقیده من استاد نصیریان گنجینه‌ای از دوران طلایی سینماست که حتی در نسل بعد خودش هم تکرار نشد. من در تمام طول عمر کاری‌ام هیچ شخصی را به اندازه استاد در خور ستایش و تحسین هنری ندیده‌ام. و این فیلم تنها به حضور او خلق شد. من این اثر را با احترام به عشق و اصالت در خانواده به علی نصیریان سینمای ایران تقدیم می‌کنم.

### در مراحل اخذ مجوز تا پروانه ساخت به مشکلی برخوردید؟

خیر، این فیلمنامه به جهت درام جذاب و قصه تازه‌ای که داشت در همان خوانش اولیه مورد اقبال دست اندرکاران نظارت قرار می‌گرفت. و به راحتی تمام مراحل نظارتی را طی کرد. طوری که برای کسب مجوز از ناجی هنر، خودشان با بنده تماس گرفتند و ضمن آرزوی موفقیت برای این فیلم، مجوز را صادر کردند.

### صحبت آخر:

این فیلم که یک ملودرام عاشقانه از لحظه‌های پایانی زندگی یک مرد است برای همه بچه‌های گروه تجربه مفید و بازخورد‌های ارزشمندی داشته باشد. چرا که من معتقدم فیلم محصول زحمات یک شخص و یا فرد نیست، بلکه حاصل خلاقیت و هم‌صدایی یک گروه روی پرده سینماست.

فرشاد گل سفیدی :

### در چه دوربین آخرین قاب یک کارگردان است. فرشاد گل سفیدی فیلمبردار و حالا کارگردان! چطور شد که به حوزه کارگردانی وارد شدید؟

محمد کمالی پور این فیلم نامه را به بنده پیشنهاد داد. موضوع این درام عاشقانه به قدری برایم جذاب بود که مجابم به کارگردانی این اثر کرد.

### تجربه‌های فیلمبرداری چقدر روی کارگردانی تان تاثیر داشت؟

خیلی تاثیر داشت، در این فیلم علاوه بر کارگردانی، مدیر فیلمبرداری این پروژه هم بودم. در چپه دوربین آخرین قابی است که کارگردان با بستن آن هر چه را که در ذهن دارد به تصویر می‌کشد و من سال‌های سال است مسحور و تماشاکر این قاب از زوایای مختلف هستم. اما به هر حال کارگردانی هم سختی‌های خودش را داشت که به عنوان تجربه اول برایم جذاب بود.

### هفت بهار نارنج در چه ژانر و سبک سینمایی ساخته شده است؟

یک ملودرام با ماهیت عاشقانه که در پس زمینه فارغ از هر زمان و مکان است، عشق یک دستمایه‌ای قوی است در وجود هر آدمی است. که در این درام با قصه‌ای روان و ساده با مخاطب ارتباط می‌گیرد.

به دنبال سبک پردازی نبودیم، هدفمان روایت قصه‌ای اصیل و تاثیرگذار از عشق بود که آن را در یک فضای عاشقانه متفاوت به تصویر بکشیم.

### داستان فیلم درباره چیست؟

فیلم درباره داستان عاشقانه طلعت و شمس است، یک عشق اساطیری و پرکشش که در این دوران کمیاب و یا به کل نایاب شده است.

### پرسش فیلم از چیست؟

از عشق ناب و گمشده‌ای که نیاز به شناخته شدن و درک شدن داشت از زاویه‌ای متفاوت، عشق اصیلی که در دوران پیری همچنان زنده و پابرجاست، یکی از دلایلی که علی نصیریان پذیرفتند در این اثر بازی کنند، این بود که در دوران سوگ همسر خود به سر می‌بردند و گویا با نقش پردازی این فیلم دین خود را به عشق ماندگار سفر کرده خود اعطا کردند.

نقدی بر فیلم هفت بهار نارنج

## یک بهار عاشقانه

رضا آشفته - فیلم هفت بهار نارنج به بیانی ساده به یک رابطه عاشقانه و خانوادگی می‌پردازد و در این فضا یک مردی به دنبال آن است که نزدیک به هفت سال از همسر به کما رفته‌اش نگاه داری کند و به یاد او هر سال یک نهال نارنج را در زمین بکار د و به آن رسیدگی کند. فیلم انگار نمیخواهد در یک چهار چوب داستانی کلاسیک تعریف و روایت شود بنابراین به گونه‌ای به ظاهر بیسر و سامان است و به همین دلیل در بستر روایا و فلاش بک‌های متعدد سیر میکند و نتیجه آن که حالت فیلم بین واقعیت و فراواقعیت سرگردان است در واقع عین و ذهن آقای شمس با بازی علی نصیریان را بر ما هویدا می‌سازد. در این داستان رابطه یک زن و شوهر که روزگاری استاد و شاگرد بودند، رخنمایی میکند و حالا طلعتی، همسر جوانتر آقای شمس دچار کما شده و در بستر به سر می‌برد و آقای شمس اجازه نمیدهد که دستگاه‌ها از بدن او جدا شده و مرگ برای آن زن اتفاق بیفتد.

شاید تا نیمه اول مقاومت آقای شمس برای نگهداری از همسرش قابل پذیرش باشد اما از نیمه دوم باید چالش‌های بیشتر از آنچه باشد که آقای دکتر، پرستار، همسایه‌ها و... دارند انجام میدهند و در پایان نیز به جای نشستن آقای شمس پای درخت نارنج باید اتفاقی شایسته‌تر برای برانگیختگی تماشاگر به دنبال داشته باشد زیرا که اتفاقات فعلی چندان بارز نیست و همه چیز به شکل یک نواخت پیش می‌آید. در عین حال شاعرانگی فضا و جاذبه‌های شعری و موسیقایی و خود عاشقانه جاذبه‌هایی ساده برای دیده شدن هفت بهار نارنج است؛ اما چاشنی چالش یا ایجاد طرح و توطئه و همچنین یک پایان تلخ و ناگوار میتوانست اعتبار و جایگاه این را بیشتر از حد معمول بالا ببرد و ما نسبت به داستان و موقعیت، به پیامی در خور تعاملتیر میرسیدیم. فیلم هفت بهار نارنج تاکید اولیه‌اش در آقای فضا یک عاشقانه است و در این مورد با نگهداری آقای شمس از یک زن به کما رفته برای نزدیک به هفت سال دارد اتفاق می‌افتد اما موارد دیگری که در تکمیل این واقعیت تلخ میتواند چالش برانگیز باشد، دنیای بیرون از مدار زندگی آقای شمس است که به گونه‌ای دخالت، فضولی با زبان مردم در آن میتواند موثر باشد که شور بختانه از آن غفلت شده و کمتر به آن اشاره یا پرداخته میشود. در حالی که فیلم در همین سیاق میتوانست کاملتر شود و به یک واقعیت تلخ دامن بزند که فیلم نیز تاثیر مطلوبتری را به جای گذارد.

بازیگران همگی در یک موقعیت واقعی و بنا بر احساسات پیرامونی نسبت به یکدیگر دارند گفتگو میکنند و با یکدیگر ارتباط می‌گیرند و حتی بخش‌هایی که رو باگفته است از چنین واقعیت پیروی میکند بنابراین بازیگران نیازی نبوده که دچار اغراق شود. علی نصیریان در هفت بهار نارنج در ارائه نقش آقای شمس نزدیک به شخصیت خود حرکت میکند با این تفاوت که بجای یک بازیگر دارد نقش یک استاد بازنشسته را بازی میکند اما رسیدگی به همسر بیمار شاید اتفاقی باشد که در زندگی نصیریان برای همسر مرحومشان اتفاق افتاده باشد و این همان نکته ظریف است که بازیاش را واقعیت و ملموس تر نشان میدهد شاید بخش تلخ بازی او همانا اشاره به بیماری فراموشی آقای شمس باشد که درگیر و دار ارتباطات ما را نسبت به شخصیت آقای شمس نزدیکتر میکند و ما با او همزات پنداری میکنیم. در نتیجه بازی نصیریان در مرکز ثقل است و دیگر بازیگران کمابیش در تکمیل این بازی کوشیده‌اند و هر یک به نوعی تلاش میکنند که کمایه نباشند اما فیلمنامه در مدار سادگی مانع از بروز اتفاقات برانگیخته خواهد شد و این بازی آنها را در یک سطح معمولی نگه میدارد بنابراین فقط تلاش نصیریان که به زیبایی تمام دیده میشود. شاید رقص نصیریان میتوانست در برابر بستر بیماری همسرش زیباتر اجرا شده و به سمایی ماندگار تبدیل شود.